

Investigation and Analysis of Images in Rouzbahan Baghli Shirazi's Sharh-e-Shathiyat (522-606)

**A. Khalili
H. Hasanpour
R. Sattari
S. Haghjoo**

Abstract

Rouzbahan Baghli Shirazi is one of the most famous mystics who has numerous works in the fields of mysticism, tradition, interpretation, and jurisprudence in Arabic and Persian languages. Shrh-e-Shathiyat is one of his most important Persian works. Aside from the importance of this work in Shath and passionate defense of the mystic words, the romantic prose and poetic visual language of this work is also worth considering. This paper examines the technique of image-making of Rouzbahan and presents some of them to the readers. Rouzbahan's central metaphor in this book are «confusion», «Vision», and «fake infinitives» which somehow show his esthete theory. The weakness of everyday language and its inability to express the pure experiences of the mystic is a factor in his word that is full of imagination, metaphor, mystery, and other fantasy elements. Based on the findings of this research simile and metaphor, especially the extensive ones, are higher in frequency than other elements of fantasy. The origin of the elements of the images of Sharh-e-Shathiyat is in the field of «nature» and the high frequency of his abstract metaphors represent Rouzbahan's Persian Sufism versus «Khorasan» allegorical Sufism.

Keywords

Rouzbahn Baghli Shirazi ' Sharh-e-Shathiyat ' Image ' Mystical Prose ' Poetic Prose

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال یازدهم، شماره چهارم، پیاپی ۳۵، زمستان ۱۳۹۶ صص ۴۰-۲۳

بررسی و تحلیل تصویر در شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی (۶۰۶-۵۲۲)

علی اصغر خلیلی* - حسین حسن پور آلاشتی** - رضا ستّاری*** - سیاوش حق جو****

چکیده

روزبهان بقلی شیرازی یکی از مشهورترین عارفانی است که آثار گوناگونی از او در زمینه‌های عرفان و حدیث و تفسیر و فقه، به زبان‌های فارسی و عربی بر جای مانده است. شرح شطحیات یکی از مهم‌ترین آثار فارسی اوست. این اثر افزون‌بر اهمیتش در شطح و دفاع از کلام شورانگیز عارفان، از نظر نثر شاعرانه و زبان تصویری و خیال‌انگیز نیز درخور توجه است.

این پژوهش با بررسی شگردهای تصویرساز روزبهان در شرح شطحیات، نمونه‌هایی از آن را برای مخاطبان بیان می‌کند. التباس و رؤیت و مصدرهای جعلی، استعاره‌های محوری روزبهان را در این کتاب تشکیل می‌دهند که گویا در نظریه جمال‌پرستی او ریشه دارند. ضعف زبان روزمره و ناتوانی آن در بیان تجربه‌های ناب روحی، کلام او را از تخیل و استعاره و رمز و دیگر عناصر خیال‌انگیز سرشار می‌کند.

یافته‌های این پژوهش در شرح شطحیات بیانگر آن است که تشبیه و استعاره، به‌ویژه به‌طور فشرده، شمار بیشتری نسبت به عناصر دیگر خیال دارد. همچنین شگردهای دیگر تصویرسازی مانند تشخیص، بیان نقیضی، تکرار، رمزگرایی، مصدرهای جعلی و انتزاعی به آشنایی‌زدایی نثر کتاب انجامیده و باعث یکتایی و برجستگی این اثر در بین نثرهای دیگر عرفانی شده است. خاستگاه عنصرهای تصویرساز شرح شطحیات از حوزه طبیعت است. شمار بسیار استعاره‌های تجربیدی این اثر، بیانگر تصوف پارسی روزبهان در برابر تصوف تمثیلی خراسان است.

واژه‌های کلیدی

روزبهان بقلی شیرازی؛ شرح شطحیات؛ تصویر؛ نثر عرفانی؛ نثر شاعرانه

*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسؤول) aliasgharkhalili@rocketmail.com

**دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران alashtya@gmail.com

***دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران resasatari@yahoo.com

****استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران siavashtavasin@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۱۰/۲

تاریخ وصول ۱۳۹۵/۶/۲۵

۱- مقدمه

تصویر یکی از پرکاربردترین اصطلاحات نقد ادبی است که اهل بلاغت و منتقدان قدیم توجه ویژه‌ای به مطالعه و تحلیل و تبیین کارکرد آن داشتند. جاحظ بصری (م ۲۵۵) نخستین ادیب و منتقدی است که در آثار ادبی، توجه همگان را به سوی تصویر جلب کرد (جاحظ، ۱۹۶۹، ج ۳: ۱۳). پس از او کسانی مانند رمانی (م ۳۸۶) و ابوهلال عسکری (م ۳۹۵) و عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱) در آثار خود به اهمیت تصویر در متون ادبی و تأثیر آن بر مخاطب پرداختند.

امروزه در آثار نقد ادب فارسی، اصطلاح تصویر برابر با ایماژ است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۳). درحقیقت تصویر به مجموعه امکانات بیان هنری گفته می‌شود که زمینه اصلی آن، انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف برای ارائه تصاویر ذهنی است (همان: ۱۰). تصویر در عام‌ترین مفهوم به همه زبان مجازی گفته می‌شود که با تصرف‌های خیال در زبان عادی به وجود می‌آید (فتوحی، ۱۳۸۷: ۴۱).

میان تجربه‌های عرفانی و زبان رابطه مستقیم و تنگاتنگی وجود دارد. برخی عارفان با زبان شاعرانه و عاطفی، دریافت‌ها و مکاشفه‌های خود را از عوالم ناشناخته و غیرمحسوس بیان می‌کنند؛ آنان زبان روزمره را در بیان تجربه‌های خود ناقص و ناکارآمد می‌دانند و ناگزیر کلامشان به سوی استعاره و رمز و بیان نقیضی حرکت می‌کند. این عارفان به سبب بیان‌ناپذیری تجربه‌های عرفانی می‌کوشند از زبان تصویر و امکانات گسترده آن برای روشن کردن مقصود خود کمک گیرند. یکی از راه‌های شناخت تجربه دینی یا عرفانی، توجه دقیق به زبان متون عرفانی است.

تاکنون درباره تصویر در شرح شطحیات به طور جداگانه پژوهشی انجام نشده است؛ تنها هانری کربن در مقدمه خود بر این کتاب، مانند *عبرالعاشقین*، کشف و التباس را استعاره اصلی روزبهان در بیان تجربه‌های عرفانی اش می‌داند (روزبهان بقلی، ۱۳۸۲: مقدمه ۱۴). پورنامداریان نیز در *رمز و داستان‌های رمزی* در بحث شیوه برخورد با موضوع یا متعلق معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان، به رابطه رمز و تجربه‌های شخصی روزبهان می‌پردازد (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۷۱). شفیعی کدکنی در *زبان شعر در نثر صوفیه* در مبحث استعاره‌های مرکزی یا استعاره‌های اصلی، به نمونه‌هایی از استعاره‌های روزبهان و اجزای سازنده آن اشاره می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۵۹) محمدعلی آتش سودا در مقاله‌ای با عنوان «سبک نثر و اندیشه روزبهان در شرح شطحیات»، نثر و

اندیشه روزبهان را در این اثر بررسی کرده که موضوع آن به این پژوهش کمی شبیه است؛ اما مطالب مقاله نامبرده کلی تر از این پژوهش است؛ زیرا در آن، همه عناصر شاعرانه در نثر شرح شطحیات بررسی می شود و تصویر و شگردهای زبان تصویری نیز یکی از این عناصر است (آتش سودا، ۱۳۹۰: ۴۱).

روزبهان بقلی شیرازی از عارفانی است که به سبب دشواری ها و پیچیدگی های لفظی و پوشیدگی سخن، آثارش همچنان ناشناخته باقی مانده است. در یک قرن اخیر برخی از پژوهشگران ایرانی و عرفان پژوهان غربی مانند لویی ماسینیون، ولادیمیر ایوانف، کارل ارنست، محمد معین و محمدتقی دانش پژوه مطالعاتی درباره زندگی و آثار و اندیشه های روزبهان انجام داده اند و تا حدی توانسته اند بخشی از جنبه های تاریک ذهن و زبان رازناک او را روشن کنند. در این میان آثار هانری کربن درباره روزبهان، برجستگی های ویژه ای دارد.

با وجود نوشتن کتاب و رساله و مقاله درباره روزبهان که به اراده کسانی مانند دکتر محمد معین، دکتر زرین کوب و آقای محسنی مؤخر انجام شده است، هنوز اندیشه های این عارف و زیبایی های نثر او در پس هاله ای از فراموشی و ابهام قرار دارد. البته درباره متون منشور عرفانی از دیدگاه تصویر و صور خیال، پژوهش کمتری انجام شده است.

این مقاله می کوشد با بررسی شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی از نظر تصویر و ارائه شواهد و نمونه، شگردهای تصویری روزبهان را تحلیل کند. همچنین این پژوهش نشان می دهد تصاویر چه نقشی در بازتاب اندیشه و تجربه های او داشته اند. با معرفی استعاره های محوری روزبهان، خاستگاه این تصاویر و پرشمارترین ساختارهای تصویری نیز بررسی شده است؛ نیز با توجه به مکتب روزبهان در تصوف، درباره تأثیر این مکتب بر ساختار اجزای سازنده تصاویر بحث می شود.

۲- معرفی شرح شطحیات

شرح شطحیات یکی از مهم ترین آثار منشور عرفانی است که از قرن ششم هجری به یادگار مانده است. روزبهان بقلی شیرازی در فصل نخست این کتاب (۱۳۸۲: ۵۲) هدف از نوشتن آن را پاسخ به ندهای درونی می داند که او را مخاطب قرار دادند تا کتابی در دفاع از شطحیات عارفان به رشته تحریر درآورد و از آنان در برابر انکار و افترای جمعی نادان و ناتوان از درک شطحیات دفاع کند.

در بازگشت از شیراز به موطن اصلی خود، فسا، کار نوشتن کتاب را به زبان عربی به پایان برد و نامش را *منطق الاسرار ببيان الانوار* نهاد؛ اما عزیزی قرابتی در شیراز از او خواست «این کتاب شطح را به پارسی شرحی بگوی». روزبهان خواهش او را پذیرفت و کار ترجمه و نوشتن را در سال ۵۷۰ هجری به پایان رساند.

طرح کلی کتاب به گفته خود او (همان: ۵۳) چنین است که کلامش را با نثری فنی و مصنوع در ستایش حق آغاز می‌کند. رسول‌الله و خلفای چهارگانه را می‌ستاید؛ سپس از مشایخ بزرگوار و ابرار و ابدال حق یاد می‌کند و بر روح پرفتوح آنان درود می‌فرستد. در ادامه از احوال و مقامات خود در عرفان سخن می‌گوید و از بی‌رسمان زمانه شکایت می‌کند که چگونه در طول تاریخ، عظمت مقام انبیا و اولیا را درک نکردند و به آزارشان پرداختند. او شطح را در لغت و در اصطلاح معنی و تفسیر می‌کند. روزبهان معتقد است شطح مضمونی یگانه با جلوه‌های سه‌گانه است که شطح خداوندی در قرآن، شطح نبوی در حدیث و شطح عاشقانه در عرفان از آن جمله‌اند (همان: ۸۲).

در مجموع روزبهان در این کتاب از چهل و پنج عارف، صد و نود و دو شطح نقل می‌کند که بیشترین آنها از بایزید بسطامی (با ۳۱ شطح) و حسین بن منصور حلاج (با ۴۵ شطح و ۲۷ روایت و ۱۱ طاسین) است.

او کتابش را با شطحیات حلاج در سه بخش اسانید غریب و الفاظ شطحیات و *طواسین* به پایان می‌برد. او این بخش‌ها را از مشکل‌ترین قسمت‌ها می‌داند. روزبهان همچنین بیش از ۲۰۰ اصطلاح عرفانی را در این کتاب شرح داده است.

شیوه او در شرح شطحیات به این گونه است که پس از ذکر شطحی از یک عارف، با استشهاد به آیات و احادیث و کلام مشایخ، با زبان و بیانی فصیح و فنی، آن را استدلال و توجیه و تأویل می‌کند. خواننده در این اثر با بندهایی با عنوان‌های «فی وصف حالی» (همان: ۶۳)، «فی وصفی» (همان: ۷۹، ۸۹، ۹۳، ۹۸، ۹۹) و... روبه‌رو می‌شود که بیشتر لحن خطابی دارند و نویسنده در آنها با من ملکوتی خود سخن می‌گوید. این بخش‌ها شاعرانه و شورانگیزند و زبان در آنها کارکردی عاطفی و شاعرانه دارد. این بندها را با سطح محاکاتی و رمزی که فولادی در *زبان عرفان* به آن اشاره می‌کند، می‌توان هماهنگ دانست (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

به نظر می‌رسد بیشتر سخنان روزبهان در این کتاب، نتیجه تجربه‌های روحانی او در مسیر سیر و

سلوک و مکاشفات عرفانی است که مانند آینه‌ای در برابر دیدگان خواننده بازتاب یافته است. به عقیده هانری کربن، این اثر، کتابی یگانه است که باید سواد خواندن آن را آموخت و این سواد خواندن یعنی تأویل و تنها مردان راه شوق معنوی، توان تأویل را دارند (روزبهان بقلی، ۱۳۸۲: مقدمه ۱۸).

۳- سبک روزبهان در شرح شطحیات

آثار روزبهان بقلی شیرازی از دیرباز به دشواری در زبان مشهور بوده است. جامی در *نفحات الانس* به این نکته اشاره می‌کند: «مر او را سخنان است که در حال غلبه وجد از وی صادر شده است که هرکسی به فهم آن نرسد» (جامی، ۱۳۷۰: ۲۶۱). اندیشه‌های انتزاعی و پیچیده او که در زبان با تصویرهای مجازی، انبوهی استعاره و تشبیه و جلوه‌گری‌های دیگر خیال همراه است، نثر او را از دیگر آثار منثور عرفانی جدا می‌کند.

مفاهیمی مانند التباس و رؤیت و مصدرهای جعلی، استعاره‌های محوری یا استعاره‌های مرکزی روزبهان را در شرح *شطحیات* تشکیل می‌دهند. کلمه استعاره در اینجا فراتر از مفهوم بلاغی آن است. مقصود از استعاره محوری، واژه‌ها یا مفاهیمی است که منظومه ذهنی و نظام هنری و عرفانی هر شاعر و هر عارفی را شکل می‌دهند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۵۴).

بررسی استعاره‌های محوری هر شاعر و هر عارف از دیدگاه سبک‌شناسی، بیان‌کننده استقلال منظومه زبانی و ذهنی او نسبت به دیگران است. کاربرد مصادر جعلی مانند احدیت، اصطفاثیت، انائیت و... و مفاهیمی از نوع التباس (اعتقاد به ظهور حُسن و جمال قدم در قالب صفات حق و تجلی آن بر روح به لباس مادی و رهایی روح از آن در بازگشت به اصل خویش)، کشف، تجلی، جمال، عروس و... (اصطلاحاتی که نوعی رؤیت در مرکز آنها نهفته است و از نظریه عشق و جمال‌پرستی روزبهان سرچشمه می‌گیرد) در قالب و ساختار کلمات در متن کتاب نمود بیشتری دارند.

از ویژگی‌های زبانی و نحوی شرح *شطحیات*، کوتاهی جملات، تقدم فعل، حذف افعال به قرینه، تکرار، تابع اضافات و جابه‌جایی اجزای جمله است. سجع، جناس، شمار بسیار مصوت «e» در ترکیب‌های وصفی و اضافی از جلوه‌های موسیقایی زبان روزبهان در این اثر است. کاربرد صور خیال مانند تشبیه و استعاره و تشخیص و... باعث شاعرانه‌شدن زبان این کتاب شده است و آن را به مرز شعر نزدیک می‌کند. انبوهی تصاویر و تلمیحات و اشاره‌های تاریخی و نیز کاربرد آیات و

احادیث و عبارات عربی همراه با اشعار فارسی و عربی بر ابهام متن افزوده است. روزبهان برای چیرگی بر تنگناهای زبان با افزایش وابسته‌های اسم، ترکیب‌های نو و شگفت‌انگیزی می‌سازد و این از ویژگی‌های دیگر سبکی او در شرح شطحیات است. *عزب‌خانه* انائیت (روزبهان بقلی، ۱۳۸۲: ۹۵)، *عروس تنزیه* (همان: ۱۰۲)، *قفجاق خرگاه داران مرغزار عزت وحدت* (همان: ۱۵۶)، *اراکستان عرفات* (همان: ۱۲۱)، *نخاس‌خانه چین ملکوت* (همان: ۱۹۳)، *زاغان مزابل طبع فلک* (همان: ۲۱۲)، *منجینق شوامخ قاف قدم* (همان: ۱۲۹)، *صحراء ساسانیان ولایت* (همان: ۱۴۷)، *عتقای مغرب ازل* (همان: ۹۷)، *نقاب عصمت غیرت* (همان: ۱۱۶)، *بند قندیل آفتاب ازل* (همان: ۲۳۵)، اینها ترکیب‌هایی است که به‌طور پراکنده در بخش‌های مختلف کتاب دیده می‌شود.

روزبهان پایه‌ی طریقت خود را بر عشق و جمال‌پرستی نهاده است؛ به همین سبب مانند *سوانح العشاق* غزالی، کمتر صفحه‌ای از شرح شطحیات را می‌توان یافت که واژه عشق یا مشتقاتش (عاشق، معشوق) در آن نباشد. روزبهان بسیار از واژه عشق در این کتاب (۵۴۷ بار) استفاده کرده است. افزون بر عشق، واژه‌های پرشمار دیگری که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، بیانگر اندیشه و ذهن و جان جمال‌پسند اوست. در نظر او همه راه‌ها به رؤیت می‌رسد و به همین سبب در این اثر، شمار واژه‌های دیداری بر واژه‌های شنیداری برتری دارد. در ادامه پرکاربردترین این واژه‌ها با آمار بیان شده است: نور (۳۳۶ بار)، انوار (۱۰۷ بار)، شاهد (۱۰۴ بار)، صورت (۱۲۳ بار)، مشاهده (۲۲۷ بار)، روی (۱۲۷ بار)، رنگ (۱۲۸ بار)، آئینه (۶۵ بار)، تجلی (۲۹۴ بار)، جمال (۱۵۴ بار)، دیده (۷۶ بار)، چشم (۱۴۵ بار)، رویت (۱۳۶ بار)، عروس (۵۸ بار)، کشف (۵۰ بار)، آفتاب (۶۱ بار)، شمس (۴۲ بار)، حُسن (۶۱ بار)، شواهد (۵۶ بار)، شهود (۳۳ بار)، جانان (۲۹ بار)، التباس (۷۲ بار)، عرایس (۱۷ بار)، مرآت (۲۹ بار)، نگار (۲۷ بار)، جلال (۱۷۸ بار)، صبح (۳۲ بار)، شمع (۱۸ بار)، مشاهده (۲۴ بار)، ماه (۲۰ بار)، کشف (۱۶ بار).

انبوهی تصویر یکی از مهم‌ترین عواملی است که به برجستگی زبان و نثر شرح شطحیات انجامیده است. ثبت تجربه روحانی و انتقال آن به مخاطب، علت اصلی برای زبان سرشار از تصویر و بیان زیبا و شورانگیز این اثر است. روزبهان برای چیرگی بر تنگناهای زبان روزمره از راه‌های گوناگون، نثر خود را از میان سایر آثار عرفانی متمایز می‌کند؛ این روش‌ها عبارت‌اند از تتابع

اضافات و صور گوناگون خیال و ترکیب‌سازی‌های وصفی و اضافی که بیشتر نو و شگفت‌انگیزند. فشردگی تصاویر، اشاره‌های تاریخی و تلمیحی و نیز آیات قرآنی و احادیث نبوی، تابع اضافات و مقیدبودن تشبیهات و استعاره‌ها به وابسته‌هایی چند، از جمله عواملی است که به ابهام بیشتر متن افزوده است.

۴- نمونه‌هایی از انبوهی تصاویر در شرح شطحیات

«آن نوزاده در سرای وحدت از تجلی قِدَم مضطرب، نه عقلی که با او مشورت کند، نه علمی که باز مشاورت طلب کند. منتظر زمان بی‌زمان شده؛ عاشق مباشرت جان هر جان گشته؛ هم در نیستی بیند خود را تا ناگه شهر امر در عالم افعال آورند و از افعال، ابریشم خیام ملکوت بتنند؛ زُقام صفات به روی دوایر شواهد نقش عین الله بنگارد. ارواح ساده را از حبس عدم بیرون آرند و در اقصای کون بدارند؛ ناگاه دانه نیستی فنا خورد و گاه بی‌جان لباس نیافت دَرَد. اسرار ارواح از روی اشتیاق بر نادیده بانگ در بانگ زنند که این چه شراب پرخمار بود و این چه نوروز بی‌بهار! لطف قِدم ببخشاید و از حدثان پرده حدثان بردارد و از خیام آزال عروس وحدت پدید آید. بعد از خزان نیستی، نوروز جمال قِدم روی خویش بنماید. نوروزی که در آن صد هزاران بساتین بهار قدرت یابی و صد هزار گلستان جلال وحدت. سوسن صفا با یاسمین صورت مشاور، سنبل جمال با ورد جلال محاور، ریاض قدس صفت بر اشجار بهار سرمدیت انهار ابد در جوی ازل رفته و بران جویبار سبزاها صفت رُسته؛ شمال جمالی بر بحار کمالی وزیده؛ قهر در پرده بی‌پرده رسیده؛ صُلُصُل باغ قِدم بر اغصان صفت نشسته و بانگ قیومی در نوای ازلی می‌زند که ای اطیبار ارواح، ای نوآمدگان جهان بی‌چونی، آن شهود عین کجایند و در قفص حدوثیت چرایند؟ از آن عالم نیستی به هستی درآیند که در صحراء وحدت مرغان «لا احصی ثناء» بنشینند. بدین هیجان، هیمنان نمودند و از قضاء ملکوت در ریاض جبروت پریدند. از روی تحیر نگارجویان ازل را در عین تفکر افتادند» (همان: ۵۶-۵۵).

«ای راه پیمای ازل بی‌کُلفت اجل، چون ماه جانت در سماء بی‌چونی از عقده ذنب امتحان و نیش دنبال عقرب قهر هم قران کیوان شد، در روی شمس بقا از محاق فنا مترس. بی‌زحمت حلولیان این سطور بر جبین قمر بنویس تا غازیان ارادت، چون از خواب مکاشفت سیصد و نه

سال برخیزند، بی مخاییل دقیانوسی به علم دبیران ملکوت در مشاهده هلال جبروت، آن گریخته پایان امتحان را گویند که «صوموا لرؤیتیه و افطروا لرؤیتیه» ای بر وفاء تو دهر عقیم، دُر یتیم حکمت عشقت به الماس «لاتسبوا الدهر» سفته است. از خود با خود بی طمطراق فقه درد عشق تو گفته است» (همان: ۱۴۶).

۵- شگردهای تصویرساز روزبهان در شرح شطحیات

روزبهان از عارفانی است که به سبب برخورداری از تجربه‌های ناب شخصی، تصاویر و تعبیرهای شخصی و ویژه خود را دارند؛ بی‌مانندی و خلاقیت را از میان این تصاویر نو به‌روشنی می‌توان دید. زبان روزمره با همه امکاناتش از بازتاب ذهنیات و احوالات درونی او ناتوان است و به همین سبب ذهنیت استعاره‌گرا بر کلام او سایه می‌افکند و زبان شرح شطحیات را تصویری و شاعرانه می‌کند. مقصود از ذهنیت استعاری روزبهان، چیرگی قطب استعاری زبان بر قطب مجازی آن است که برپایه جداسازی حرکت زبان در دو قطب استعاری و مجازی رومن یا کوبسن، زبان‌شناس روسی مطرح می‌شود. او تداعی و حرکت بر مدار شباهت را روش استعاری می‌نامد. استعاره در این نظریه به هر رفتار زبانی گفته می‌شود که برپایه مشابهت بنا شده باشد (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

شفیعی کدکنی تصوف اسلامی را در یک چشم انداز عام به دو خانواده تصوف ایرانی و تصوف غیرایرانی طبقه‌بندی می‌کند و معتقد است هرکدام از این دو شاخه کلی به تقسیمات کوچک‌تر و سبک‌های دیگر درخور تقسیم و بررسی است. تجربه‌های شهودی روزبهان با زبان و رمزهای آن در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. شمار بسیار زبان استعاری و چیرگی قطب استعاری زبان در آثار او باعث شده است تا شفیعی کدکنی تصوف روزبهان را تصوف «استعاری پارسی» بنامد و آن را جدا از تصوف خراسان (بناشده برپایه نظام تمثیلی) بپندارد (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۱۸).

۱-۵ تشبیه

در میان شگردهای تصویرساز در شرح شطحیات، ساخت بلاغی تشبیه با بسامد ۶۸٪^۱ بیشتر در ساختار مضاف و مضاف‌الیه (بلیغ، اضافه تشبیهی) یا تشبیه فشرده استفاده شده است. تشبیهات بنابر نوع کارکردی که در تبیین تجربه‌های ذهنی و روحانی روزبهان دارند، بیشتر مشبیه معقول و تجریدی را به شبهه بهی محسوس مانند می‌کنند تا زمینه برای درک بهتر مخاطب از مفاهیم نویسنده

فراهم شود. نمونه‌های زیر از این جمله است:

«آداب حضرت از طریق الهام بیافتم؛ در مکان مرابطت به مرقات مراقبت به مصعد شهود غیب برشدم. طیر ارواح ملکوت در سواحل بحر جبروت پران دیدم» (روزبهان بقلی، ۱۳۸۲: ۵۱)، «طاعنان شمشیر جهل از غمد حسد برکشیده بودند و از نادانی به خود می‌زدند. غیرت عشق مرا شربت سکینه داد تا از غمرات محبت ساکن شدم» (همان: ۵۲)، «یمین احدیت در صحراء وحدت از غمد قدرت شمشیر غیرت برکشید» (همان: ۱۰۲).

این ترکیبات نیز از آن جمله است: عروس وحدت (همان: ۵۵)، شراب جلال (همان: ۶۳)، آفتاب تجلی (همان: ۸۸)، قیصر نفس (همان: ۹۴)، عنکبوت حدث (همان: ۱۰۰)، طوفان طوارقات (همان: ۱۰۲)، میوه مشاهده (۱۱۵)، مقراض لا (همان: ۱۲۲)، ازار عزت (همان: ۱۴۰)، کسوت حریت (همان: ۱۴۸)، میکده عشق (همان: ۱۵۴)، چین صفت (همان: ۱۵۵)، الماس خرد (همان: ۱۵۶)، سجاده ارادت (همان: ۱۳۲).

نکته مهم در تشبیهات فشرده شرح شطحیات، مقید بودن آن به وصف یا اضافه است که خود به نوعی همان تتابع اضافاتی است که برای تبیین بیشتر عوالم روحانی روزبهان پدید آمده است. برخی از این ترکیبات در ظاهر استعاره‌هایی بوده‌اند که بار دیگر گسترش یافته و به صورت اضافه‌های تشبیهی درآمده‌اند: ائقال اوقار هموم محبان (همان: ۴۵)، عبهر بساتین اُنس (همان: ۴۸)، برج کنگره قصر عنصر (همان: ۵۳)، شاهد عرایس غیب غیب (همان: ۸۲)، بیداء آسمان تفرید (همان: ۸۷)، آفتاب چهل‌روزه صفات (همان: ۹۹)، قدح تارک کیوان بُرج صفت (همان: ۱۲۵)، دریاء مُسرمد صمدیت (همان: ۱۲۹)، رواق صرف حُسن طور (همان: ۱۳۴)، خریطه دبیران تزویر ملکوت ارض و سماء (همان: ۱۵۷)، نرد سپید مهره‌زن صبح بقا (همان: ۲۰۳)، سهام مژگان چشم یکتابین صد هزار آهوی ارادت (همان: ۱۶۹).

همچنین برخی از این تشبیهات فشرده، وجه‌شبهی تلمیحی دارند که در این میان، عناصر دینی و مذهبی نسبت به عناصر ملی از شمار بیشتری برخوردارند: سایه طوبی قدم (همان: ۵۹)، هدهد سلیمان ازل (همان: ۹۲)، رخس قدم (همان: ۹۳)، حربه بویحیی قهر (همان: ۱۰۲)، بطن حوت امتحان (همان: ۱۰۷)، غبار رخس زابلان وحدت (همان: ۱۲۱)، زندان بتکده آزران (همان: ۱۳۱)، شاهد مصر ازل (همان: ۱۳۹)، خواب مکاشفت سیصد و نه ساله (همان: ۱۴۶)، صحراء ساسانیان

ولایت (همان: ۱۴۷)، نوای انوار زند و پازند عشق (همان: ۱۶۱)، هاروت و ماروت نفس (همان: ۱۶۸)، دام دانه گندم آدم (همان: ۱۶۴).

با نگاهی ژرف‌تر به ساختار و اجزای ترکیب‌های تشبیهات فشرده در این اثر می‌توان دریافت شمار نام پرندگان در سویه محسوس این ترکیبات درخور توجه است. این موضوع سبب می‌شود تا موجی از حرکت و رنگ و صدا و تصاویر زیبا و نو در ذهن خواننده مجسم شود؛ از سوی دیگر این موضوع بیانگر روح و ذهن تنوع‌طلب و زیباپسند این عارف عاشق است: عندلیب جان (همان: ۴۷)، صُلُصُلُ عشق (همان: ۵۷)، سیم‌رخ ازل (همان: ۹۳)، باز جان (همان: ۹۹)، شاهین ازل (همان: ۱۱۰)، طاووس رنگ‌آمیز قدر (همان: ۱۱۵)، فاخته درد (همان: ۱۳۷)، خروس دولت عشق (همان: ۱۴۶)، طوطی عشق، بوتیمار پرتیمار هجران ذات ازل (همان: ۲۰۳)، مرغ صفات (همان: ۱۴۴).

استفاده هنرمندانه آیات و احادیث در طرف معقول تشبیه، نوع دیگری از تشبیهات فشرده در شرح شطحیات است که شمار بسیاری نیز دارد. این تشبیهات به صورت ترکیب اضافی و به شیوه کامل کردن سخن است؛ همچنین بیانگر انس روح و روان روزبهان با کلام حق و سخن پیامبر (ص) است؛ نیز موجب آشنایی زدایی از زبان و تحریک عاطفه مخاطب می‌شود و گنجایش معنایی و بلاغی متن را می‌فزاید: «درود باد بر جان هدف سهام «قاب قوسین»، شاه کونین، رسول ثقلین، آن که از آدم نکته اسماء بود و اشارت سجود و از آفرینش غرض جان، اکسیر اعظم، تجلی قدم، جانش حقیقت صرف «تدلی»، نشانش «کان ما کان» و اشارت «کنت نبیاً» و سر «لست كأحدکم» و اشارت «جاء حبیباً» و «لعمرك» تاج «لولاک»ش «عفا الله عنک» عذر گناه اهل آفرینش، روح قدسی و روح انسی مبشر و چاکر او «لو کان موسی حياً ما وسعه الاتباعی» برید حضرت او، توریه در الهامش راز «فأوحی»، انجیل در پیغامش رمز «ما اوحی» زبور در الحانش سر «ما کذب الفؤاد ما رأی»، قرآن در عین نشانش خبر «ما زاغ البصر و ما طغی» (همان: ۴۷-۴۶)، «در داستان گرزگیران تفرید، تردامن؛ زیرا که کواکب «انی رأیتُ أحد عشر کوكباً» پیش اخترشمار قدم، زخم «انی بریء مما تشرکون» دارند» (همان: ۱۵۴).

یکی دیگر از ویژگی‌های تشبیهات فشرده روزبهان در این کتاب، تازگی و غرابت آن است. این موضوع تا حدی درک وجه‌شبهه را بر خواننده دشوار می‌کند و بر ابهام و دشواری متن نیز می‌افزاید؛ از آن جمله است: عروس تجلی (همان: ۱۱۶)، چلیپاپرستان طبع (همان: ۹۹)، دیولاخان انسان

عُظلت عناصر (همان: ۱۰۳)، نخاس‌خانه جلال (همان: ۱۲۴)، قفچاقستان ملکوت (همان: ۷۳)، زاغان مزابل طبع فلک (همان: ۲۱۲)، بزم طوفانیان قهر جان (همان: ۱۴۲)، مقراض تنزیه (همان: ۱۵۴)، کسوت دیمومیت (همان: ۹۷)، مربع عین جمع (همان: ۹۵)، ینایع علم مجهول (همان: ۵۸). تشبیه گسترده نیز بخشی از صور خیال به کار رفته در شرح شطحیات است؛ البته شمار این نوع تشبیه کمتر از تشبیهات فشرده است. این تشبیهات در قالب جملات اسنادی می‌آید و در آنها بیشتر مشبیه معقول به مشبه بهی محسوس مانند می‌شود. تازگی و غرابت این نوع تشبیهات برخاسته از تجربه عاطفی نویسنده و ماهیت ویژه آن تجربه است: «بزرگوار آن عزیزی که عقل فعال پروانه شمع ربوبیتش و روح قوال ساکن سیجن قضا و قدرش. عقل صادر نوآموز مکتب الهام اوست و روح خازن قهرمان امر درگاه اوست. گلزار رخ دلبران، بساتین انس اوست» (همان: ۴۵-۴۴)، «توانگری کسوت ربوبیت است و درویشی کسوت عبودیت» (همان: ۱۴۸)، «صورتت کعبه جان است و دلت بیت معمور جانان» (همان: ۱۰۴).

۲-۵ استعاره

پس از تشبیه، استعاره دومین شگرد بلاغی است که در تبیین اندیشه‌های روزبهان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. روزبهان با استفاده از این جلوه خیال، مفاهیم انتزاعی و ذهنی خود را برای خواننده و مخاطب مجسم می‌کند؛ این مفاهیم به تجربه‌های روحانی او مربوط می‌شود. به‌طور کلی شگرد تصویری در شرح شطحیات به دو شکل فشرده و گسترده به کار رفته است.

۱-۲-۵ استعاره مکنیه

در استعاره مکنیه، عضوی از اعضای انسان یا عواطف و اعمال او به غیرانسان نسبت داده می‌شود. از میان استعاره‌های به کار رفته در این اثر، استعاره مکنیه در ساختار پربسامد مضاف و مضاف‌الیه دیده می‌شود: «من دست امالی از دامن امانی بداشتم» (همان: ۲۱۵)، «از جمال جانم لب اجل خندان دیدم و چشم امل گریان» (همان: ۲۳۷). همچنین است: «مشام جان (همان: ۸۰)، دهان جان (همان: ۱۰۳)، دندان خرد (همان: ۱۰۶)، آستین تصوف (همان: ۱۳۸)، پیشانی زمان (همان: ۱۴۷)، گوش جان (همان: ۱۹۲)، دیده اجل، دامن دل (همان: ۲۲۳)، اعناق دهر (همان: ۲۶۹)، دست قدر (همان: ۴۲۸).

۲-۲-۵ استعاره مصرحه

در شرح شطحیات شمار بسیاری از استعاره‌های مصرحه به صورت فشرده و از نوع مضاف و

مضاف‌الیه است. روزبهان در این نوع استعاره‌ها، با استفاده از امکانات واژگانی زبان، به جای اشاره مستقیم به مفاهیم تجریدی و انتزاعی، این مفاهیم را در قالب ترکیب‌های جدید ارائه می‌کند. این ویژگی تا حدی ذهن تکرارناپذیر و تنوع‌طلب او را نشان می‌دهد؛ از آن جمله است: «همه گفتند: بلی «قالوا بلی» گویان شدند و عروس قدم را جویان؛ از سر مستی به نور خطاب قناعت نکردند؛ موسی وار شهود عین کل خواستند» (همان: ۵۷) (عروس قدم استعاره مصرحه از خداوند است). همچنین است: «مرغ لاهوت، قفص ناسوت بشکست» (همان: ۱۳۵) (مرغ لاهوت استعاره از جان و قفص ناسوت استعاره از جسم است)، «جمله پرنندگان آسمان کبریا، نزد منقار عنقاء قهر قدمش ملخان نامام‌اند» (همان: ۱۰۶) (پرنندگان آسمان کبریا استعاره از فرشتگان است).

این شیوه بیانی در شرح شطحیات در تبیین مبانی فکری روزبهان دیده می‌شود؛ یعنی در ترکیبات کنایی و استعاری که او در اشاره به نام‌های انبیا و اولیا و مشایخ طریقت به‌ویژه در اشاره به نام رسول اکرم (ص) به کار می‌برد و بیانگر علاقه و اعتقاد بسیار او به پیامبر (ص) است: «از آن سبب گفت قفچاق بازار ازل، قفص شکن مرغ اجل، سید نیک نامان عشق - صلوات الله علیه - گفت که «خیر من الملائکه»» (همان: ۱۳۵).

روزبهان در این نمونه‌ها نیز با ترکیب‌های استعاری به ذات مقدس پیامبر (ص) اشاره می‌کند: نخاس عروس اجل (همان: ۱۵۵)، شاهین بساتین غیرت (همان: ۱۸۱)، مرغ و کر سدره المنتهی (همان: ۱۸۵)، گل گلستان ازلیات (همان: ۱۹۶)، عنقاء قاف دیمومیت (همان: ۲۷۸)، مهارکش قطار مطایاء اسرار (همان: ۳۰۰)، صومعه‌دار صحن خلوتیان منزل دنا (همان: ۴۲۵).

نکته مهم در این ترکیب‌ها این است که این تصویرها ترکیبی است؛ یعنی در درون خود تصویر دیگر و یا تشبیهی اضافه دارد. در واقع نویسنده با بهره‌گیری از ساختار اضافی زبان، کلمه‌ای را به شبهه و شبهه‌به می‌افزاید که خود بیشتر، تصویری عقلی و انتزاعی است و این‌گونه، استعاره‌ای تازه می‌آفریند.

۳-۵ تشخیص

تشخیص یا انسان‌نگاری، یکی از جلوه‌های رنگارنگ خیال، موجی از حرکت و پویایی را در سراسر شرح شطحیات ایجاد کرده است. به جز نمونه‌هایی از تشخیص که در بحث استعاره مکنیه (مانند دیده تفکر (همان: ۵۳)، دست قدرت (همان: ۳۱۷) و...) مطرح شد، این شخصیت‌بخشی گاهی با نسبت‌دادن یکی از صفات یا عواطف و اعمال انسانی به مفاهیم ذهنی انجام می‌شود و

تصویر برخاسته از آن برخلاف تصاویر فشرده بالا، گسترده است: «آفاق به مهر، غلام و چاکر ایشان شد» (همان: ۴۶)، «جان به جنبش درآید، سر به جوشش درآید، زبان به گفتن درآید» (همان: ۸۱)، «نخاس ازل، انگشت در دندان دیدم و مادر عدم حیران تبسم صبح صفت» (همان: ۲۳۷).

در شرح شطحیات یکی از برجسته‌ترین نوع تشخیص در بخش‌هایی است که روزبهان در خطاب با من ملکوتی خود و با عنوان‌هایی مانند «فی وصفی» (همان: ۶۲)، «فی توحیدی» (همان: ۱۹۹، ۱۷۰) و... نگاشته است. این بخش‌ها بی‌گمان از هنری‌ترین و تأثیرگذارترین نمونه‌های صور خیال است که روزبهان با عبارت‌ها و ترکیبات گوناگون و نو، مفاهیم انتزاعی و به‌ویژه من ملکوتی‌اش را خطاب قرار می‌دهد و حس و حال و عواطف زلال و نابش را برای مخاطب ترسیم می‌کند: «ای دایه قابله آدم و ای مایه زبده بحر عالم! گفتی در مناقب اطیوار کنگره کبریا، ای باد شمال بهار، ای تاج‌بخش صرف صفا! آتشکده تجلی جان تو است و فرج اصبع صفات در تقلب سر خان و مان تو است. برگوی هان وصف شطاحان و نعت علوم ایشان» (همان: ۷۹)، «ای مرغ جان! صد هزار قلم، قطره ای نیست و صد هزار لشکر جان نزد صدمات وحدت ذره ای نیست...» (همان: ۱۰۳) و نیز (ر.ک: همان: ۲۰۹، ۱۹۹، ۱۷۵، ۱۷۰، ۱۶۸، ۱۵۶، ۱۴۸، ۱۴۱، ۱۳۸، ۹۹، ۹۳).

۴-۵ تکرار

تکرار یکی دیگر از ویژگی‌های سبکی و عناصر زبانی و موسیقایی شرح شطحیات است که وظیفه تأکید و تقویت معنی و افزایش بار معنایی واژه‌ها را بر عهده دارد. کارل ارنست این شگرد بیانی را «اسلوب بلاغی مزدوج» می‌نامد و معتقد است روزبهان از آن برای عمق بخشیدن به مفاهیمی انتزاعی‌ای استفاده می‌کند که از مرز تجربه‌های جهان مادی خارج است (ارنست، ۱۳۷۷: ۷۳).

این تکرارها بر دو گونه‌اند: الف) گاهی حرف اضافه‌ای میان واژه‌های مکرر فاصله می‌اندازد؛ مانند «فنا در فنا داب راهروان ملکوت و بقا در بقا مآل دلیران جبروت» (روزبهان بقلی، ۱۳۸۲: ۴۵)، «بدانکه الفات از شطحیات اشارات استواء قدم در قدم بر قدم از قدم است و فردانیت ذات در ذات و تجلی کنه بر کنه و عین به عین» (همان: ۸۳)؛ ب) گاهی هر دو کلمه تکرارشونده (در اندک نمونه‌هایی نیز سه کلمه تکرارشونده)، در یک ترکیب اضافی به یکدیگر می‌پیوندند. این نوع تکرارها بیشتر از نظر مجازی درخور بررسی است؛ این ترکیبات تکرارشونده را نوعی تشخیص می‌توان به شمار آورد: «قلوب اصفیا در زور مزار قدم چون جان جان از نیران شوق افسان» (همان: ۴۵).

در نظر روزبهان جان، شخصیتی انسانی یافته که خود می‌تواند جان داشته باشد. بخش بسیاری از این تکرارها در شرح شطحیات از تکرار واژه جان شکل می‌گیرد؛ همچنین واژه‌های تکرارشونده مانند حقیقت حقیقت، غیب غیب، قرب قرب، سر سر، روح روح، فهم فهم، قدم قدم، نسبت به سایر واژه‌ها شمار بیشتری دارند.

۵-۵ مصدرهای جعلی (اسم مصدرهای بر ساخته از ئیت)

کاربرد مصدرهای جعلی با بسامد کمابیش بسیار، یکی از ویژگی‌های مهم سبکی روزبهان در شرح شطحیات است؛ به گونه‌ای که مصدرهای جعلی را یکی از استعاره‌های محوری او می‌توان دانست که بی‌تردید گسترش شیوه حلاج و روش مفهوم‌سازی اوست (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۵۶۰). هدف روزبهان از ساخت مصدرهای جعلی با اسم‌های معنی آن است که گنجایش معنایی کلامش را افزایش دهد تا بتواند تجربه‌های عرفانی و معانی انتزاعی خود را بیان کند. در واقع بیان‌ناپذیری تجربه‌های شهودی و ظرفیت نداشتن زبان روزمره، او را به سوی کاربرد این ساخت هدایت می‌کند؛ برای مثال «اصطفاء» خود متضمن معنایی ذهنی است و ساختن «اصطفائیت» در عبارت «وقت مشاهدت مقرون اصطفائیت از لست...» (روزبهان بقلی، ۱۳۸۲: ۲۰۸) بار انتزاع را در آن واژه افزایش داده است.

مصدرهای جعلی وحدانیت (همان: ۴۴)، هویت (همان: ۸۴)، اصطفائیت (همان: ۱۰۶)، دیمومیت (همان: ۱۰۹)، ربوبیت (همان: ۱۱۰)، الوهیت (همان: ۱۱۲)، احدیت (همان: ۱۲۵)، ازلیت (همان: ۱۷۶)، بشریت (همان: ۱۶۶)، مشیت (همان: ۳۰۶)، عبودیت (همان: ۴۰۴)، انائیت (همان: ۲۰۵) از ساخت‌های پرتکرار شرح شطحیات است و کمتر صفحه‌ای را می‌توان یافت که از این مصدرها خالی باشد.

۶-۵ بیان نقیضی یا پارادوکس

از ویژگی‌های مهم کلام عارفان، بیان نقیضی است. روزبهان در آثار خود از جمله شرح شطحیات و *عبرالعاشقین* در بیان تجربه‌های ناب فراحسی خود با برهم‌خوردن منطق طبیعی زبان، تصاویری خیره‌کننده و گنگ و مبهم می‌آفریند که بر دشواری و ابهام متن می‌افزاید. او از تجربه‌های روحانی خود در زمان بی‌زمان (همان: ۹۷) و هنگام بی‌هنگام سخن می‌گوید (همان: ۹۸)؛ ساکن پوینده و خاموش گوینده است (همان: ۱۱۶).

این جلوه زبانی و تصویرساز به دو شکل ترکیبی و اسنادی در شرح شطحیات دیده می شود؛ از آن جمله است: «عجز از معرفت چون عین معرفت باشد» (همان: ۸۷)، «بیش ازین برگ بی برگی در جهان نیستی ندارم» (همان: ۲۲۵)، «حضورم غیبت است و غیبت، حضور» (همان: ۹۱)، «فقر بی فقری - زبان بی زبان» (همان: ۱۵۶)؛ همچنین است: (ر.ک: همان: ۴۳۰، ۴۰۶، ۳۲۳، ۲۲۴، ۲۰۱، ۱۶۰، ۱۴۳، ۱۳۸، ۱۲۲، ۵۶).

۵-۷ رمز

کلام عارفان در مکاشفه ها و تجربه های عرفانی، در بسیاری اوقات از منطق زمان هشیاری پیروی نمی کند. آنان در حالت خودآگاهی، دیده های شهودی خود را شرح می دهند و از واژه ها آیینی ای می سازند که فهم آن برای مخاطب دشوار است. روزبهان در توضیح و تأویل شطحیات حلاج و اسانید غریب و طواسین او می کوشد تا حد امکان رمزگشایی کند؛ اما به نظر می رسد خود روزبهان رمزهایی می آفریند که درک آن برای مخاطب بسیار پیچیده و دشوار است؛ برای نمونه او در شرح «یاقوت احمر» از روایت هشتم سخن حلاج چنین می نویسد: «حسین روایت کند از یاقوت احمر، از ضیاء مخمر، از صورت کاینه، از شأن مشهود... قال: از یاقوت احمر، قرصه شمس خواهد - والله اعلم - و این صحیح است، یا مشتری، یا قلب، یا شفه آدم، یا زبان موسی، یا آتش ابراهیم، یا خاتم سلیمان، یا سکنینه تابوت یا حجر اسود. در حدیث است که آن یک دانه یاقوت احمر است از جنت یا بحر نور در ملکوت، یا کبریت احمر، یا معدن یاقوت...» (همان: ۲۷۰، ۲۶۹). در واقع شرح روزبهان از سخن رمزگونه حلاج گوناگون است و گمان های متعدد او بیش از آنکه معنی سخن را روشن کند، بیانگر ناتوانی و اطمینان نداشتن اوست (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۷۱).

شرح هایی از این گونه در کتاب شرح شطحیات بسیار است؛ تأویل روزبهان بر آنها رمزهایی را برای او یادآور می شود که فهم آن را برای مخاطب بیش از پیش دشوار می کند. شرط درک تصاویر در کلام نمادین عارف تنها از راه آشنایی با ذهنیات و داشتن اتحاد روحی با اوست (همان: ۷۳). نمونه ای دیگر در این باره عبارت است از: «حسین روایت کند از طور، از یاقوت نور، از صاحب میزان... قال: به طور، طور سینا خواهد، یا جبل مصطبه، یا جبال مکه، آنجاست موضع تجلی و به یاقوت نور، شمس خواهد و این صحیح است یا تجلی موسی یا خیام نور غیب یا جوهری که به دست ملک نهار است. به صاحب میزان، اسرافیل خواهد و الله اعلم و این صحیح است یا ملک قضا و قدر یا فعل حق یا قرآن...» (همان: ۲۷۱).

۶- نتیجه‌گیری

روزبهران بقلی شیرازی در گروه صوفیان صاحب تصرفی قرار می‌گیرد که پایه‌ی طریقت این صوفیان بر عشق و جمال‌پرستی است. التباس و رؤیت در شرح شطحیات، استعاره‌های محوری و یا منظومه‌ی فکری او را شکل می‌دهد. عوالم و مقاماتی که او در سلوک عرفانی به آنها دست یافته است، در قالب واژه‌ها، صور خیال، موسیقی و نظم در بیان، همراه با ترکیبات و تصویرهای تازه و نو و شگفت‌انگیز به‌روشنی دریافت می‌شود.

روزبهران می‌گوید: هدف اصلی او از نوشتن این اثر، دفاع از شطحیات عارفان در برابر انکار منکران است. او در شرح شطحیات، برخورد تأویلی دارد و می‌کوشد از همه‌ی امکانات زبانی و بیانی کمک گیرد تا گنجایش زبان عادی را برای رویارویی با تجربه‌های شخصی خود افزایش دهد. کاربرد واژه‌های ویژه، عناصر موسیقایی، تتابع اضافات، متناقض‌نمایی و کاربرد هنری آیات و احادیث از شیوه‌هایی است که با آشنایی‌زدایی از زبان او، نثرش را از سایر متون منشور عرفانی متمایز می‌کند. تشبیه و استعاره و تشخیص از پرکاربردترین شگردهای تصویرساز روزبهران در شرح شطحیات است. در این اثر شمار تصویرهای فشرده از تصویرهای گسترده بیشتر است. شگردهای تصویرساز شرح شطحیات از حوزه‌ها و خاستگاه‌های گوناگونی فراهم آمده است؛ اما عناصری که خاستگاه آنها از حوزه‌ی طبیعت است، شمار بیشتری دارد. شمار واژه‌ها و استعاره‌های دیداری بیش از واژه‌ها و استعاره‌های شنیداری است. استعاره‌های تجریدی و انتزاعی او بسیار است و این می‌تواند بیانگر تصوف پارسی روزبهران در برابر تصوف تمثیلی خراسان باشد. کارکرد صور خیال، انبوهی تصویر و بیان استعاری، بیشتر برای روشننگری معنا و بیان احوال و تجربه‌های روحانی روزبهران است.

پی‌نوشت

۱. آمار ارائه‌شده در این پژوهش، نتیجه‌ی مطالعه‌ی بسامدی از صفحات ۱۰۵-۵۵ در متن شرح شطحیات است.

منابع

۱- آتش سودا، محمدعلی (۱۳۹۰). «سبک نثر و اندیشه‌ی روزبهران در شرح شطحیات»، نشریه‌ی عرفان

اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۷، ۱۹۷-۲۳۱.

- ۲- ارنست، کارل (۱۳۷۷). *روزبهان بقلی*، ترجمه مجالدین کیوانی، تهران: نشر مرکز.
- ۳- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۵). *رمز و داستان‌های رمزی*، تهران: علمی فرهنگی، چاپ چهارم.
- ۴- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۶۹). *الحيوان*، تصحیح عبدالسلام هارون، بیروت: المجمع العربی الاسلامی، چاپ سوم.
- ۵- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۰). *نفحات الانس*، تصحیح محمود عابدی، تهران: اطلاعات.
- ۶- روزبهان بقلی شیرازی (۱۳۸۲). *شرح شطحیات*، به تصحیح و مقدمه هانری کربن، تهران: طهوری، چاپ چهارم.
- ۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). *صور خیال*، تهران: آگاه، چاپ دوم.
- ۸- ----- (۱۳۹۲). *زبان شعر در نثر صوفیه*، تهران: سخن، چاپ سوم.
- ۹- صفوی، کوروش (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، ج ۲، تهران: حوزه هنری.
- ۱۰- فتوحی، محمود (۱۳۸۷). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن، چاپ دوم.
- ۱۱- فولادی، علیرضا (۱۳۸۷). *زبان عرفان*، قم: فراگفت.

